

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

شرح نهج البلاغه

جلسه سیزدهم

إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ التُّجَّارِ وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَتِلْكَ
عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ

ق 234

١. قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي أَكْرَهُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ وَلَا عَرَضَ لِي إِلَّا ثَوَابُهُ فَأَكُونُ كَالْعَبْدِ الطَّمَعِ الْمُطْمَعِ إِنْ طَمَّعَ عَمَلٍ وَ إِلَّا لَمْ يَعْملْ وَ أَكْرَهُ أَنْ لَا أَعْبُدَهُ إِلَّا لِخَوْفِ عِقَابِهِ فَأَكُونُ كَالْعَبْدِ السَّوِّءِ إِنْ لَمْ يَخَفْ لَمْ يَعْملْ قِيلَ فَلِمَ تَعْبُدُهُ قَالَ لِمَا هُوَ أَهْلُهُ بِأَيْدِيهِ عَلَيَّ وَ إِنِّعَامِهِ. بحار الانوار ج ٦٧ ص ٢١٠

٢. عن أبي جعفر عليه السلام: الدِّينُ هُوَ الْحُبُّ وَ الْحُبُّ هُوَ الدِّينُ. الكافي ج ٨ ص ٤١٠

٣. عن رسول الله صلى الله عليه و آله: الْقَلْبُ ثَلَاثَةٌ أَنْوَاعٍ قَلْبٌ مَشْغُولٌ بِالدُّنْيَا، وَ قَلْبٌ مَشْغُولٌ بِالْعُقْبَى، وَ قَلْبٌ مَشْغُولٌ بِالمَوْلَى. أَمَّا الْقَلْبُ المَشْغُولُ بِالدُّنْيَا فَلَهُ الشَّدَّةُ وَ البَلَاءُ، وَ أَمَّا الْقَلْبُ المَشْغُولُ بِالْعُقْبَى فَلَهُ الدَّرَجَاتُ العُلَى، وَ أَمَّا الْقَلْبُ المَشْغُولُ بِالمَوْلَى فَلَهُ الدُّنْيَا وَ العُقْبَى وَ المَوْلَى. المواعظ العديده ص ٤٣.

بیم از خدا

تکالیف دینی ام را به این دلیل انجام می دهم که در زندگی دچار خشم خدا نشوم

خدا را عبادت می کنم چون نگرانم در سختی های زندگی مرا رها کند

وقتی در زندگی خود مشکلی ندارم رابطه ام با خدا کم رنگ می شود

وقتی برای نجات از یک مشکل و خطر با خدا عهدی می بندم ، بعد از رفع مشکل در انجام آن عهد کوتاهی می کنم

وقتی نگران ترم و احساس نا ایمنی و تهدید می کنم بیشتر به عبادت و تکالیف دینی توجه می کنم

از خدا می ترسم زیرا گناهکارم و نافرمانی زیادی دارم

بیشتر از آنکه به بهشت دل ببندم و امید داشته باشم از عذاب جهنم و کیفر در این دنیا ترسان و نگرانم

وقتی به عذاب جهنم و عقوبت اعمال فکر می کنم بیشتر به خدا توجه می کنم

هدف من از شرکت در محافل و مجالس دینی طلب بخشش و جبران نافرمانی هاست

واقعیت این است که اگر تهدید عقوبت و جهنم نبود چندان توجهی به دین و خدا نمی کردم

وقتی به بزرگی و عظمت خدا فکر می کنم خودم را شرمنده و مقصر و خطاکار می بینم

نگران پذیرفته نشدن عبادت ها و تکالیف دینی خودم هستم

هنگام راز نیاز با خدا نگران کوتاهی ها و نافرمانی های خودم هستم

وقتی مرتکب گناه و خطایی می شوم نگران این هستم که از چشم خدا بیافتم

نگرانم که آیا تا پایان عمر از نعمت هدایت خدا بهرمنند خواهم بود یا نه؟

نیاز به خدا

وقتی با خدا راز و نیاز می‌کنم به فکر نیازها و خواسته‌ها و حاجت‌های خودم هستم حضورم در مجالس مذهبی اغلب به خاطر استمداد و حل مشکلات شخصی خودم است وقتی خدا حاجتم را نمی‌دهد رابطه‌ام با او کمتر می‌شود اوج توجه من به خدا و عبادات وقتی است که حاجت مهمی دارم وقتی از خدا اطاعت می‌کنم اتفاقات خوبی برایم رخ می‌دهد

در برابر فرمانبرداری‌هایم از خدا به کسب بهشت از او امیدوارم امید من به بهشت و پاداش خدا به کسب بهشت بیش از جهنم است وقتی با خدا بیشتر ارتباط دارم خودم را به بهشت نزدیک‌تر می‌بینم دست یافتن به بهشت و نعمت‌آگیزه اصلی و جدی من برای عبادات است بهشت برای من انقدر مهم است که سختی و مشکلات عبادات را تحمل می‌کنم

هیچ چیز جای خدا را برای من پر نمی‌کند خدا مهم‌ترین آرزوی زندگی من است اگر همه نیازهای من هم برطرف شود باز به خدا نیاز دارم شرکت من در مجالس دینی برای بهره‌های معنوی آن است اگر خدا را از زندگی خودم حذف کنم زندگی برایم بی‌معناست

محبت به خدا

خدا را دوست دارم چون بدون درخواست من آنچه را به نفع و مصلحت من بوده به من داده است

وقتی فکر می کنم که خدا بی انکه بدانم و باخبر باشم چه خطرها و بدی هایی را از من دور کرده است، عشق و علاقه ام به او بیشتر می شود

برای من خدا عزیز است چون نعمت ها و خوبی های فراوانی به ما داده است

خدا را دوست دارم چون حامی و پشتیبان من است

وقتی به نعمت های فراوانی که خدا به من داده است توجه می کنم بیشتر تشویق می شوم که عمرم را در اطاعت او صرف کنم

یاد بهشت و نعمت های آن شور و اشتیاق به خدا را در وجود من بر می انگیزد

از خدا ممنونم که خود را به من شناسانیده است

خدا را دوست دارم چون امکان هدایت مرا فراهم کرده است

لطف و محبت بی چشمداشت خدا به بندگانش مرا شیفته او کرده است

وقتی می بینم که خدا علیرغم همه بدی ها و خطاهایم مرا می پذیرد شور و اشتیاقم به او چندان می شود

اگر بدانم کاری یا فردی سبب دور شدن من از خدا می شود حتما ان را ترک می کنم

وقتی می خواهم کاری را انجام دهم برایم مهم است که خدا از آن کار چقدر خشنود است

اگر مدتی دعا و مناجات نکنم دلتنگ می شوم

می توانم به خاطر خدا از منافع و خواسته ای خودم بگذرم

حاضرم به خاطر خدا از جان خودم بگذرم